



رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۹۳:

تلاش مشترک و مجاهدانه مردم و مسؤولان لازمه تحقق شعار سال

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳ هجری شمسی، با تبریک سال نو و نوروز به همه‌ی هم میهنان و ایرانیان عزیز در سراسر جهان به خصوص خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران و مجاهدان راه اسلام و ایران، سال جدید را سال «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامگذاری کردند. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به تقارن سال جدید با ایام شهادت بانوی بزرگ جهان اسلام حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از خداوند متعال مسالت کردند: این تقارن، امکان بهره‌گیری مضاعف از انوار هدایت الهی و برکات فاطمی را برای ملت ایران فراهم سازد.

ایشان در ترسیم افق سال نو، دو مسئله‌ی اقتصاد و فرهنگ را مهم تر از مسائل دیگر بر شمرند و تاکید کردند: برای تحقق شعار سال ۹۳ یعنی «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» تلاش مشترک مسؤولان و آحاد مردم ضروری است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به نقش اساسی و برجسته‌ی مشارکت و حضور مردم در زندگی و سازندگی کشور خاطر نشان کردند: هم در اقتصاد و هم در فرهنگ، کار بدون حضور مردم پیش نخواهد رفت و گروه‌های گوناگون مردمی باید با اراده و عزم راسخ ملی در این عرصه‌ها نقش آفرینی کنند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: مسؤولان هم موظفند با توکل به خداوند و با تکیه‌ی بر مردم، در هر دو عرصه‌ی اقتصاد و فرهنگ، مجاهدانه وارد میدان عمل شوند.

ایشان تاکید کردند: آنچه در سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسؤولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همت مسؤولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور و ملت ما را معین کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تاکید بر ضرورت استفاده از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته در تصمیم‌گیری‌های آینده، به ارزیابی کیفیت تحقق شعار حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی پرداختند و گفتند: در سال ۹۲، حماسه سیاسی با حضور مردم و تلاش مسؤولان در عرصه‌های مختلف نظیر انتخابات، راهپیمایی‌های بزرگ و عرصه‌های دیگر به بهترین شکل تحقق پیدا کرد و با دست بدست شدن قدرت اجرایی در کمال امنیت و آرامش، حلقه‌ی جدیدی از سلسله‌ی طولانی مدیریت کشور شکل گرفت.

رهبر انقلاب مسئله اقتصاد را برای مردم و کشور مسئله‌ای مهم خواندند و با اشاره به برخی تلاش‌های قابل تقدیر در زمینه‌ی حماسه‌ی اقتصادی افزودند: البته در سال گذشته حماسه اقتصادی به شکل مورد انتظار محقق نشد که لازم است این حماسه در سال جدید به وجود آید.

ایشان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را زیر ساخت فکری و نظری تحقق حماسه اقتصادی خواندند و تاکید کردند: در پرتو این سیاست‌ها اکنون زمینه‌ی لازم برای تلاش مضاعف فراهم است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیام نوروزی همچنین از خداوند متعال برای همه‌ی ایرانیان عزیز، جوانان، خانواده‌ها، کودکان و مردان و زنان این سرزمین پر افتخار، در سال جدید تن سالم، شادابی، آرامش روحی، محبت، پیشرفت و تعالی و سعادت آرزو کردند.



فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۳



در سال ۹۲ آنچه به عنوان حماسه‌ی سیاسی انتظار میرفت، ملت ایران خلق کردند و آفریدند. یقیناً حماسه‌ی سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه‌ی بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه‌ی اول سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه‌ی دوم.

نکته‌ی اول در باب انتخابات؛ برادران و خواهران عزیز توجه کنند که از اول انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات پایین نیفتاده است، تنزل نکرده است؛ این خیلی مهم است. در آخرین انتخاباتی که ملت ما پای صندوق رأی رفتند - یعنی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم - شرکت مردم در انتخابات، ۷۲ درصد بود؛ این رقم، هم در بین انتخاباتهای دنیا یک رقم بالایی است و یک نصاب برجسته‌ای است، هم در بین انتخاباتهایی که از اول انقلاب تا امروز اتفاق افتاده است یکی از بالاترین رقمها است؛ معنای این چیست؟ معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن این است که نظام جمهوری اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست.

نکته دوم در مورد راهپیمایی بیست و دوم بهمن است. بعضی هستند که با محاسبه جمعیت‌ها را محاسبه میکنند یا با دوربینها و وسایل گوناگون مقدار جمعیت را حدس میزنند؛ امسال همه‌ی کسانی که در این زمینه‌ها فعال بودند و همه‌ی کسانی که این راهپیمایی را با دقت زیر نظر داشتند، به ما گزارش دادند که جمعیت راهپیمایی در تهران و در شهرهای بزرگ و معروف از سالهای قبل، هم بیشتر بود، هم پرشورتر بود یعنی شعارهای مردم، شعارهای پرمغز و پرمعنا و پرشور بود. چرا؟ علت این بود که امسال عوامل مؤثر در سیاستهای استکباری، لحنشان نسبت به ملت ایران بی‌ادبانه‌تر و توهین‌آمیزتر بود. چون در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای مذاکرات انجام گرفته بود، سیاستمداران آمریکا اظهارنظر کردند که معلوم می‌شود ملت ایران از حرف خود برگشته است، از اصول خود صرف‌نظر کرده است

قوی شدن یک ملت فقط به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد؛ البته تسلیحات هم لازم است، اما فقط با تسلیحات هیچ ملتی قوی نمیشود. من وقتی نگاه میکنم، سه عنصر را پیدا میکنم: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سوّمی علم و دانش!

درباره‌ی دانش، در این ده دوازده سال گذشته حرفهای زیادی زده شد و بحمدالله اثر کرد. امروز ما در دانش داریم پیش میرویم - که بعد باز شاید اشاره‌ای بکنم - اما در مورد اقتصاد و در مورد فرهنگ، یک اهتمام بیش از متعارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی دریاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست‌وبرخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، ما باید بکنیم؛ این همان اقتصاد مقاومتی است که سیاستهای آن در اسفند ماه ابلاغ شد؛

سه سؤال در مورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح میکنم. سؤال اول این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟ سؤال دوم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را میدهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟ سؤال سوم: اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب میدهم؛ این مربوط به اقتصاد است.



دولت مسؤلیت برنامه‌ریزی، زمینه سازی، ظرفیت سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است

چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارتها میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند.

پنجم، این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی میمیرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه میشود، اما بر محور عدالت هم کار میشود. **ششم، در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است** شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است - نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند.

سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. اولاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است - این آن جنبه‌ی مثبت - اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیرروشن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب **اول اینکه** این حرکتی که ما داریم انجام میدهیم، دغدغهی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. اما درعین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سوم اینکه این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، **مردم‌بنیاد است؛** یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسؤلیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند...

یکی از ظرفیتهای مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیتهای کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور - از پانزده سال تا سی سال - یک حجم عظیم از ملت ما را تشکیل میدهند؛ این خودش یک ظرفیت است.

یکی از ظرفیتهای مهم کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا - شرق و غرب عالم - بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف میزنم، کشفیاتی در مورد گاز شده است که نشان میدهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی - که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد - در کشور ما است.

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است.

این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند



★ باید فرهنگ [مصرف] تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است

سوم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند - کم یا زیاد - و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند - چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون - آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می‌کنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بی‌آورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن‌کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید.

بخش دوم حرف من، درباره‌ی فرهنگ است. عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. الان درباره‌ی تولید داخلی حرف می‌زدیم؛ اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ [مصرف] تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد. مثلاً در حوزه‌ی اجتماعی، قانون‌گرایی - که مردم به قانون احترام بگذارند - یک فرهنگ است؛ تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای‌ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیت‌های یک کشور است.

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛

سؤال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ خلاصه عرض می‌کنیم: اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.

دوم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

★ صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر، ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند، کم یا زیاد، و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید



بنابراین تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه‌های فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند. نمیخواهیم بگوییم همه‌ی آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ اما حضور دشمن را هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی نمیتوانیم فراموش کنیم. امروز و از روزهای اول انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه‌ی توش و توان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند. این کار فرهنگی است؟ ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند، باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار میدهند؛ این را نمیشود انسان ندیده بگیرد.

اینکه ببینیم کسانی با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از بیان، با استفاده‌ی از ابزارهای گوناگون، با استفاده‌ی از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست! در هیچ جای دنیا. همان کشورهایی که ادعای آزادی میکنند، در آن خطوط قرمزی که دارند، بشدت سخت‌گیرند. شما ببینید در کشورهای اروپایی کسی جرئت نمیکند راجع به هولوکاست حرف بزند که معلوم نیست اصل این قضیه واقعیّت دارد یا ندارد، یا اگر واقعیّت دارد، به چه شکلی بوده؛ اظهار نظر درباره‌ی هولوکاست، تردید درباره‌ی هولوکاست، یکی از بزرگ‌ترین گناهان محسوب میشود، جلوی‌اش را میگیرند، طرف را میگیرند، زندانی میکنند، تعقیب قضائی میکنند؛ مدعی آزادی هم هستند.



کسانی سعی‌شان این است که بزنند توی سر روح عزت ملی جوان ایرانی؛ مکرر خلیقات منفی را نسبت میدهند: از اروپایی‌ها یاد بگیرید، از غربیها یاد بگیرید، همدیگر را تحمل میکنند، ما همدیگر را تحمل نمیکنیم! واقع قضیه این است؟ در خیابانهای کشورهای اروپایی و پایتختهای اروپایی – حالا، نه بیست سال قبل و پنجاه سال قبل – یک نفری که اندکی حجابش را مراعات کرده، مورد تهاجم جوانها قرار میگیرد، جلوی چشم مردم میزنند زن محجبه را مجروح میکنند یا میکشند، کسی جرئت نمیکند بگوید چرا! کسی را به‌عنوان اینکه این اهل آن کشور نیست، جلوی چشم مردم آتش میزنند! این تحمل مخالف است؟ این چیزی است که همین تازه اتفاق افتاد؛ چند ماه قبل از این جوانهای الواط یکی از شهرهای یکی از کشورهای اروپایی، یک ایرانی را کتک میزنند، بعد رویش بنزین میریزند، آتشش میزنند، همسایه‌ها هم وامی‌ایستند بروبر نگاه میکنند، عکس‌العملی نشان نمیدهند! این تحمل مخالف است؟ آن کسانی که ملت ایران را و ملیت ایرانی را و خلیقات ایرانی را تحقیر میکنند؛ آن کسانی که مبانی اسلامی را در ذهنها متزلزل میکنند، آن کسانی که شعارهای اصلی انقلاب را مورد تعرض جدی قرار میدهند، آن کسانی که نهاد خانواده را بی‌ارزش جلوه میدهند و ازدواج را بی‌معنی وانمود میکنند – اینها امروز در جامعه‌ی ما هست؛ کسانی این کارها را دارند میکنند – آن کسانی که لذت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش میدانند – لذت، «اصالة اللّٰه» همان سوغات فرهنگ غربی است؛

دستگاهها باید احساس وظیفه کنند. در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب‌کنندگان فرهنگ انجام میدهند این است که به‌جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج میکنند. یک ملت تا عزم راسخ نداشته باشد، نمیتواند به هیچ‌جا برسد؛ سعی میکنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهم مربوط به سرنوشت کشور به هم بزنند، در آنها تردید ایجاد کنند؛ جای احساس عزت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها تزریق میکنند؛ جای ایمان راسخ، شبهه‌افکنی و بی‌اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذت‌جویی و شهوت‌رانی و از این قبیل؛ این کارها کارهایی است که انجام میگیرد.

دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور بایستی وظایف خودشان را در مقابل اینها انجام بدهند. البته بعضی از وظایف، وظایف ایجابی است، بعضی از وظایف هم وظایف دفاعی است؛ هر دوی اینها باید انجام بگیرد؛ هم وظایف ایجابی، هم وظایف دفاعی. دستگاههای تبلیغاتی کشور ما – چه آنهایی که مستقیماً مربوط به دولتند، چه آنهایی که مستقیم مربوط به دولت نیستند – از هوچی‌گری رسانه‌های بیگانه یا رسانه‌هایی که زبان بیگانه را در کام خودشان دارند، نباید بهراسند، رفتارشان را با آنها تنظیم نباید بکنند؛ این مربوط به دستگاه‌های رسمی فرهنگی.